

گزارشی از کنفرانس توسعه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا

همکاری بخش خصوصی

و نهادهای مدنی

در توسعه مسئولیت اجتماعی شرکتها

بابک در بیگی *

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده

کنفرانس توسعه شمال آفریقا و خاورمیانه بدون پوشش خبری مناسب در ایران، در اواخر فروردین سال جاری در بیروت و با حضور نمایندگان از بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و نمایندگانی از دولت ایران برگزار شد. از موضوعات مهم کنفرانس بحث توسعه و همچنین نقش نهادهای غیردولتی در آن بود. گزارش حاضر ضمن ارائه گزارشی مختصر از کنفرانس در باب همکاری نهادهای مدنی و بنگاه‌های اقتصادی در بحث مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، از مهم‌ترین الگوهای توسعه اجتماعی و فرهنگی و همچنین توسعه پایدار می‌پردازد.

* فوق لیسانس علوم ارتباطات و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.

درآمد

گردهمایی‌ها، توانمندسازی جامعه مدنی برای مشارکت در سیاست‌گذاری عمومی، مشارکت در گفت‌وگوهای سیاست‌گذاری در مسائل منطقه‌ای، توسعه و کیفیت پژوهش در مسائل اجتماعی و اقتصادی و ایجاد شبکه‌ای پویا از بازیگران توسعه در منطقه است. از جمله فعالیت‌های صورت گرفته در چارچوب این برنامه، ایجاد شبکه وکلای مصلح در تشکل‌های غیر دولتی، شبکه زنان ارزیاب، شبکه وجوه اجتماعی، شبکه مسؤول تحلیل فقر، شبکه‌های ارتباطی و پیگیری بوده است. در کنفرانس پنجم نیز به نوعی قرار شد با همکاری بانک جهانی شبکه دفاع از حقوق زنان فارسی زبان که شامل کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان است، تشکیل گردد.

کنفرانس پنجم توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا توسط سازمان‌ها و نهادهای زیر حمایت می‌شد؛ بنیاد فورد، بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل متحد و دولت‌های دولتهای اسپانیا، سوئد و ایتالیا.

نکته جالب توجه در این کنفرانس، حضور چشمگیر فعالان جامعه مدنی و بخش خصوصی بود. ایران و ترکیه امسال برای اولین بار در این کنفرانس حضور داشتند. کنفرانس بر ۶ موضوع اصلی تاکید می‌کرد و به همین دلیل ۱۴ کارگاه آموزشی حول موضوعات اصلی کنفرانس برگزار شد که هر کارگاه آموزشی یا موضوع اصلی توسط یک سازمان غیر دولتی راهبری

پنجمین کنفرانس توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا با شعار اصلاحات در توسعه از ۱۷ فروردین تا ۲۰ فروردین ماه در بیروت پایتخت لبنان برگزار شد. نمایندگان سازمان‌های دولتی، بخش خصوصی، نهادهای مدنی و فعالان جامعه مدنی در سطوح مختلف در این کنفرانس حضور داشتند. به نظر می‌رسد که این کنفرانس از لحاظ اهمیت بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گردهمایی‌های مرتبط به توسعه در منطقه باشد. حضور مقامات بلندپایه دولت‌ها، حضور پر رنگ و پر تعداد سازمان‌های جامعه مدنی و همچنین مشارکت فعال سرمایه داران بزرگ و بانک‌های کشورهای منطقه دال بر این ادعاست. این کنفرانس بوسیله بانک جهانی و با مشارکت برنامه عمران سازمان ملل متحد و مرکز مطالعات سیاست‌گذاری لبنان و مرکز مطالعاتی خاورمیانه و شمال آفریقا برگزار شد و بیش از ۵۰۰ نفر از روشنفکران، فعالان جامعه مدنی، مقامات دولتی و تشکل‌های بخش خصوصی از تمامی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در این کنفرانس حضور داشتند.

این کنفرانس یا گردهمایی - (MDF) Forum MENA Development - که تاکنون ۵ دوره آن برگزار شده است در ماه مه ۱۹۹۷ با همکاری سازمان‌های تحقیقاتی خاورمیانه و شمال آفریقا، برنامه عمران سازمان ملل متحد و موسسه بانک جهانی آغاز به کار کرد. هدف از تشکیل این

- می‌گردید. از بین ۱۴ محور اصلی کنفرانس ۳ مورد به مسائل اجتماعی (جوانان، جنسیت و جوامع محلی)، ۶ مورد به مسائل حقوقی و دولت‌ها و ۵ مورد به حوزه اقتصاد و تجارت اختصاص پیدا کرده است.
- مباحث کنفرانس با محوریت اصلاحات در خاورمیانه و شمال آفریقا به شرح زیر بود:
- اصلاحات حقوقی و قضایی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا
 - توسعه پایدار و فقرزدایی از طریق اصلاحات در حکومت‌های محلی و تقویت جوامع محلی
 - بازنگری در نقش دولت‌ها
 - ترویج اصلاحات تجاری در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا
 - نهادینه کردن و سرعت بخشیدن به اصلاحات اقتصادی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا
 - ترویج و تقویت مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا
 - اصلاحات به منظور تسهیل در فضای کسب و کار در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا
 - در نظر داشتن جنسیت در روند اصلاحات نهادی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا
 - ظرفیت‌سازی و تولید دانش برای قواعد
- حقوقی در کشورهای عرب
- ظرفیت‌سازی به منظور شفافیت حکمرانی و یکپارچگی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا
 - اقداماتی به منظور تقویت نهادهای پارلمانی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به عنوان پیش‌تازان اصلاحات
 - اصلاحات حکومتی به منظور عملکرد بهتر شهری در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا
- شرکت‌کنندگان در این کنفرانس، بر نقش جامعه مدنی در روند اصلاحات کشورها تاکید می‌کردند و بسیاری از سخنرانان و شرکت‌کنندگان بانک جهانی را به دلیل تاکید بیش از حد آن بر توسعه اقتصادی، مخاطب قرار دادن دولت‌ها، توجه بیش از حد به تصمیم‌گیران دولتی و همچنین تمایل و تاکید بر جهانی شدن مورد انتقاد قرار می‌دادند. هر چند به نظر می‌رسید حتی خود منتقدان در بحث‌های خود بر توسعه اقتصادی و نهادی یا به عبارتی دیگر به اصلاحات از طریق توسعه نهادی و توسعه اقتصادی نیز تاکید می‌کردند.
- شرکت‌کنندگان این کنفرانس در مجموع در ۴ سطح حضور داشتند: الف) دولت‌ها، ب) نهادهای جامعه مدنی، ج) مراکز تحقیقاتی، د) بخش خصوصی و ه) اصحاب رسانه‌ها.
- موسسه همیاران غیر دولتی ایران، به عنوان هماهنگ‌کننده برگزاری این کنفرانس از ایران

بود که گروهی متشکل از فعالان جامعه مدنی، بخش خصوصی و افراد دولتی را در این کنفرانس راهبری می‌کرد. از ایران یک تیم ۲۰ نفره متشکل از معاونان وزرای بهداشت، کشور و رفاه، نماینده‌های وزارتخانه‌های کار و مسکن، ۲ استاد دانشگاه، ۲ نماینده از بخش خصوصی و ۶ نماینده از جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی در این کنفرانس شرکت داشتند.

گروه ایرانی شرکت کننده در این کنفرانس که به نوعی به نمایندگی از طیف‌های گوناگون جامعه ایرانی حضوری پررنگ در این کنفرانس داشت و به دلایل مختلفی که عمدتاً متأثر از فضای سیاسی حاکم بر مسائل ایران در سطح جهان بود، مورد توجه سایر شرکت کنندگان قرار داشت. جامعه مدنی و روشنفکران کشورهای منطقه عموماً دیدی انتقادی نسبت به ایران داشتند در حالی که در بحث‌ها مشخص بود که از تحولات جامعه ایرانی آگاهی اندکی داشتند و یا اساساً درک درستی از مسائل ایران و فضای اجتماعی و سیاسی آن نداشتند. در حالی که ایران به ویژه با توجه به محور اصلی کنفرانس که اصلاحات سیاسی و اقتصادی بود دارای تجارب گرانقدری است که می‌تواند ایران را به پرچمدار اصلاحات در منطقه خاورمیانه و

شمال آفریقا بدل کند. در حالی که به دلیل همان شناخت نادرست، شرکت کنندگان ایرانی جایگاه خوبی در کنفرانس برای ارائه دیدگاه و نظرات و انتقال تجربیات خود به دست نیاوردند.

نکته جالب این که معمولاً روشنفکران و سرمایه‌گذاران کشورهای غربی و توسعه یافته نسبتاً آگاهی بهتر و شناخت عمیق‌تری از جامعه ایران امروز دارند، ولی روشنفکران و حتی افراد دانشگاهی کشورهای خاورمیانه به خصوص کشورهای عرب آگاهی درستی از جامعه ایران امروز نداشتند و بیشتر با نگاهی متأثر از فضای تبلیغاتی رسانه‌ای و غیر واقعی و توأم با بدبینی و تا حدی غیردوستانه به مسائل ایران توجه می‌کردند، هرچند تعداد کمی نیز به سیاست‌های ایستادگی و مقاومت ایران در مقابل غرب واکنش مثبت نشان می‌دادند.

در این کنفرانس از تیم ۲۰ نفره ایران، فقط مدیر عامل موسسه همیاران سخنران رسمی کنفرانس بود. به عبارتی دیگر، علی‌رغم قابلیت‌های بالای هیات ایرانی فقط یک نفر از ایران به صورت رسمی در برنامه کنفرانس گنجانده شده بود. در صورتی که می‌شد با حمایت بهتر مراکز حکومتی در ایران و با استفاده از راهکارهای مختلف در جهت تقویت وجه مثبت حضور فعالان جامعه مدنی ایرانی در جامعه بین‌المللی، فضای مناسب‌تری برای ارائه دیدگاه و تبادل تجربیات در این گونه موقعیت‌های مناسب به دست آورد.

این کنفرانس متأسفانه در ایران هیچ‌گونه پوشش خبری نداشت و در مطبوعات و رسانه‌های ایران هیچ‌گونه انعکاسی نیافت. ترکیه و کشورهای عربی به ویژه اردن، مصر

و امارات متحده عربی فعالیت‌های بسیاری در زمینه ترویج مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها انجام داده‌اند و حضور فعالی نیز در کنفرانس داشتند و بانک جهانی نیز تاکید بسیاری بر این موضوع دارد. در این ارتباط بانک جهانی یک انجمن ترویج حکمرانی شرکت‌ها را با مشارکت تمامی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا تشکیل داده است که متأسفانه ایران در این انجمن عضویت ندارد.

۱- نکاتی چند از تجربه کنفرانس

- کنفرانس توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا از نظر حضور نهادهای مدنی و حضور فعال تیم ایرانی (اعم از دولتی و غیر دولتی) باید بیش از این جدی گرفته شود. تجربه این کنفرانس نشان داد که حضور در این گونه محافل می‌تواند در جلب نظر و حمایت نهادهای مدنی کشورهای منطقه موثر و مثمر ثمر باشد. طبیعی است مسئولان دولتی نیز این سفرها را سفرهای تفریحی و یا صرفاً سیاسی قلمداد نکنند تا بتوان دستاوردهای مهم و تأثیرگذاری از این کنفرانس‌ها داشت. دستاوردهایی که گاه با سال‌ها برنامه ریزی سیاسی نیز نمی‌توان بدان دست یافت. حضور افراد مختلف از سازمان‌های غیردولتی در هیات ایرانی مهم‌ترین نقطه قوت این هیات محسوب می‌شد. جالب توجه است که تنها سخنران ایرانی کنفرانس هم از اعضای یکی از همین سازمان‌های غیردولتی کشور بود.

- بیشتر سخنرانان کنفرانس به بازگویی تجارب

برای اطلاعات بیشتر از این کنفرانس می‌توانید به وب سایت زیر مراجعه کنید.

<http://info.worldbank.org/etools/mdfdb/>

[ConfIndex.htm](http://info.worldbank.org/etools/mdfdb/ConfIndex.htm)

از آنجا که یکی از مهم‌ترین موضوعات کنفرانس مربوط به بحث مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بود و برخی شرکت‌های ایرانی نیز مدتی است به این مقوله توجه نشان داده‌اند، در بحث بعدی مقدمه‌ای بر این موضوع به رشته تحریر در آمده است.

شایان ذکر است که علی‌رغم آن‌که در بهمن ماه ۱۳۸۲، اولین کنفرانس بین‌المللی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در ایران، توسط بخش خصوصی و با حمایت و مشارکت شرکت‌های بین‌المللی و همچنین اتاق بازرگانی تهران انجام شد، اما به دلیل عدم وجود فضای مناسب در کنفرانس بیروت، ایران از انتقال این تجربه ارزنده و نتایج مباحث مطروحه در کنفرانس محروم بود. شایان ذکر است که علی‌رغم ابتکار

غرب در زمینه‌های مورد نظر کنفرانس و نظرات صاحب نظران غربی و کشورهای توسعه یافته می‌پرداختند. به عبارت دیگر، کنفرانس نشان داد که تجربیات ایران در زمینه‌های مختلف چقدر در منطقه ارزشمند است و ایران از چه جایگاه مناسبی در این زمینه‌ها برخوردار است. لذا به نظر می‌رسد با حمایت از نهادهای جامعه مدنی برای حضور پررنگ بین‌المللی نقش مهمی در تعامل در این حوزه‌ها و تبادل در این تجربیات ارزشمند ایفا نماید و تا حدی رویکرد نگاه به تجربه ایران در منطقه را جایگزین نگاه به تجربه غرب (در حوزه‌های موفق در ایران) نماید.

- سازمان‌های غیر دولتی (NGOs) از مهم‌ترین بخش‌های نهادهای مدنی هستند که نقش غیرقابل انکاری در توسعه فرهنگی و اجتماعی، واسطه‌گری بین حکومت و مردم، ایجاد خدمات اجتماعی و فرهنگی، حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی، روابط بین‌المللی، ایجاد مقاومت و یا دفاع از تصمیمات حاکمیت در حوزه‌های مربوط به فعالیت و نظایر آن دارند. بانک جهانی از مؤسسات بین‌المللی که به طور چشمگیری با سازمان‌های غیردولتی در سراسر جهان همکاری می‌کند، سازمان‌های غیردولتی را چنین تعریف می‌نماید: "سازمان‌های غیردولتی مؤسساتی خصوصی هستند که به انجام فعالیت‌هایی در جهت رفع دردهای اجتماعی، فقرزدایی و پشتیبانی از منافع اقشار محروم جامعه و کمک به مستمندان، محافظت از محیط زیست، ارائه

خدمات اجتماعی پایه و مشارکت در برنامه‌های توسعه اجتماعی می‌پردازند." سازمان ملل متحد نیز که یکی دیگر از نهادهای اصلی در همکاری‌های جهانی با سازمان‌های غیر دولتی در سراسر دنیا می‌باشد، تمامی انواع نهادهای خصوصی را به نحوی در زمره سازمان‌های غیر دولتی محسوب می‌کند. تنها شرط از نظر سازمان ملل برای دست‌یابی به چنین عنوانی استقلال یک سازمان از کنترل دولتی و عدم ستیزه‌جویی با دولت متبوع‌اش چه از دیدگاه یک حزب سیاسی و چه بر سر مواردی از قبیل تمرکز ویژه بر مسائل حقوق بشر، ایجاد سازمان‌های غیر انتفاعی در راستای مبارزه و یا هرگونه اقدام غیر جزایی دیگری است. به عبارت بهتر، "بر اساس تعریف ارائه شده توسط سازمان ملل، سازمان‌های غیر دولتی آن دسته از نهادهای اجتماعی هستند که هیچ‌گونه فعالیتی به منظور تغییر موازنه نهادهای قدرت در کشورشان نمی‌نمایند." با پذیرش این تعریف، تا سال ۲۰۰۳ از سوی سازمان ملل متحد، وجود بیش از ۲۰,۰۰۰ سازمان غیردولتی فعال در ایران گزارش شده است. همان‌گونه که مشخص است، تعبیر بانک جهانی از سازمان‌های غیردولتی تا حدی با تعریفی که توسط سازمان ملل ارائه گردید، متفاوت است. متأسفانه مانند بسیاری دیگر از مفاهیم اجتماعی، تعریف جامع و استانداردی برای توصیف سازمان‌های غیردولتی وجود ندارد و چنین مؤسساتی ممکن است در

نوشته‌های متفاوت به شکل‌های گوناگونی معرفی شوند. سازمان‌های غیردولتی در عمل شامل گروه‌های متعددی می‌شوند. چنین مؤسساتی به طور کامل و یا به شکل عمده‌ای مستقل از دولت شکل گرفته و عمل می‌کنند و عموماً به جای منافع دولتی و یا تجاری به دنبال دست‌یابی به منافع انسانی و مشارکتی می‌باشند.

- بانک جهانی از اوائل دهه هشتاد پروژه‌های فراوانی را در زمینه کار با سازمان‌های غیردولتی در نقاط مختلف دنیا اداره و مدیریت کرده است که در اواخر دهه هشتاد از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده‌اند. سازمان‌های غیردولتی به دلایل بسیار متفاوتی برای بانک جهانی حائز اهمیت هستند. مهم‌ترین آنها شاید اهمیت این سازمان‌ها در به کارگیری مهارت، توانایی، دانش و منابعی محلی است که می‌توانند در برهه‌های حساس زمانی و در مواقع اضطراری به میدان عمل بیاورند. همچنین ثابت شده که این سازمان‌ها می‌توانند نقش کلیدی و مهمی در پیشبرد پروژه‌های توسعه‌زیربنایی در کشورهای رو به توسعه بازی کنند و به شکل‌گیری فرهنگ مشارکت و نیز رونق بخشیدن به فرآیندهای مشارکتی کمک نمایند. همین توجه به سازمان‌های غیردولتی توسط نهادهای بین‌المللی می‌تواند ثابت کند که این سازمان‌ها از چه درجه اهمیت و تأثیرگذاری بر جامعه برخوردارند. لذا باید نقش مهم آنها را در کشور و جوامع بین‌المللی مهم و حیاتی پنداشت و بر

تقویت و سامان‌دهی آنها همت گماشت.

- معمولاً در کشورهایی که دولت بزرگ بوده و قسمت عمده‌ای از ملزومات اداره جامعه در آنها از طریق دولت انجام می‌پذیرد، آنچنان که گزارشات مربوط به پیشرفت پروژه‌های توسعه توسط بانک جهانی نشان می‌دهد، انجام توسعه از طریق سازمان‌های غیردولتی به جای نهادهای دولتی، به نحوه کارتری صورت می‌گیرد. این امر عمدتاً به دلایل فراوانی از جمله ناتوانایی‌های اجرایی دولت‌ها، وجود بوروکراسی گسترده، ارتباط نا کافی دولت‌ها با نهادهای اجتماعی در سطح کشور و یا فساد مالی در دستگاه‌های دولتی است. از همین روست که توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی در کشورهای توسعه نیافته و یا رو به توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. به عبارت بهتر، شاید بتوان مفهوم توسعه در جوامع را با سازماندهی کارآیی نهادهای غیردولتی هم‌عرض دانست. چنین نهادهایی را حتی می‌توان به یکی از راه‌های اصلی برای سرازیر شدن سرمایه به کشورهای مذکور بدل نمود. در واقع، می‌توان قسمت وسیعی از سرمایه مورد بحث را، که از طریق سازمان‌های غیردولتی جهانی به دولت‌ها اعطا می‌شوند، جذب سازمان‌های غیردولتی درون کشوری نموده و آن را در جهت پیشبرد برنامه‌های توسعه، به گونه‌ای که برای فرد مردم کاربرد بهینه‌ای داشته باشد، به کار گرفت. به علاوه با توجه به انگاشت‌های جدید در سطح

سرمایه گذاری در دنیا، این امکان وجود دارد که بسیاری از سرمایه گذاران خصوصی نیز جذب مشارکت در چنین پروژه هایی بشوند. همکاری سازمان های غیردولتی و بخش خصوصی (در واقع ارکانی خارج از حوزه حکومت) در بسیاری از دیدگاه می تواند نقش مهمی را توسعه بازی کند. به واقع، مسئولیت اجتماعی شرکت ها که همواره از مباحث نه چندان قدیمی در حوزه بحث های نهادهای مدنی و همچنین مسئولیت مدنی است، در همین چارچوب قابل بررسی است. برخی از محققان معتقدند که می توان با به کارگیری سرمایه شرکت های خصوصی بزرگ (چه داخلی و چه خارجی و یا بین المللی)، ترغیب سازمان های غیر دولتی در کشورهای قرض گیرنده از طریق دمیدن روح در قالب دانش و احساس مسئولیت در آنها، استفاده از نیروی خود کسانی که به کمک نیاز دارند (کاربران و مشتریان خدمات نهادهای مورد بحث و در مفهوم عام خود مردم) و همچنین کارآمدسازی عملکرد در سازمان های غیردولتی مورد نظر، به راه حل منحصر به فردی برای رفع عمده ترین مشکلات جوامع عقب افتاده و رو به توسعه از جمله فقر و بیکاری دست یافت. این دیدگاه در واقع در صدد آن است تا به افراد نیازمندی که در انتهای هرم موفقیت دنیای امروزی قرار می گیرند، نه به عنوان یک قربانی بلکه به شکل یک فعال صاحب فکر و پیشرو نگاه کند: یک فعال اجتماعی که خود می تواند

برای رفع نارسایی هایی که بدان دچار است وارد عمل شود. دست یابی به این مهم از طریق آموزش و ایجاد ظرفیت در اجتماع انجام پذیر است که خود از مهم ترین اهداف سازمان های غیر دولتی در سراسر دنیا محسوب می شود. به عبارتی، مطابق دیدگاه فکری مورد بحث، ایجاد یک نظام مشارکتی در تمامی لایه های اجتماعی و مالی (چه درون مرزها و چه ورای آنها) باید در سرلوحه کاری تمامی برنامه های توسعه قرار گیرد و این خود مهم ترین دلیل برای توجه بیشتر به امر شکل گیری و کارآمدسازی سازمان های غیر دولتی می باشد. شاید ریشه یابی مشکلات در کشوری مانند ایران بتواند تا حد خوبی اهمیت موضوع مربوطه را توضیح دهد. شایان ذکر است که در این دیدگاه از منظر مسئولیت اجتماعی، نهادهای مدنی و یا شرکت های خصوصی تنها به کمک های صرف نمی پردازند و در واقع جایگزین دولت نمی گردند. آنها با توجه به وظایف و حوزه مسئولیت و علاقه خود به توانمندسازی جامعه خواهند پرداخت.

- بسیاری از نابسامانی های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در هر جامعه ای محصول آموزش ناکافی یا نادرست می باشد. عارضه هایی چون بیکاری، بزهکاری، فقر، و همچنین انواع فسادهای اجتماعی و سازمانی، از نمونه های مستقیم و آشکار آموزش ناکافی و یا نامؤثر در سطح جامعه هستند. اما به اعتقاد برخی از محققان، در سطحی بنیادین، تمامی نارسایی های

فرهنگی یک جامعه را نتیجه همین عارضه نامطلوب "ناآگاهی" تلقی شده که خود ناشی از درگیر نبودن و یا عدم مشارکت تک تک افراد جامعه در یک نظام آموزشی صحیح می‌باشد. با چنین نگرشی، بسیاری از کاستی‌های مشهود در جامعه امروز ایران از جمله مشکل ترافیک، کمبود کار، کندی سیستم‌های اداری، رشوه، عدم رعایت عدالت در سطح اجتماعی و یا حتی در سطحی خصوصی‌تر، ناهنجاری‌های خاص اجتماعی مانند: اعتماد، مسئولیت‌ناپذیری، بدقولی، دروغ، غیبت، تهمت، بددینی و از این قبیل را نیز می‌توان از نتایج فقدان یک نظام آموزشی درست دانست. به همین نسبت، رفع نقیصه‌های موجود نیز بدون توجه کافی به آموزش و کارآمدسازی آن در جامعه غیر ممکن به نظر می‌رسد. اما آموزش‌های رسمی تجربه مناسب و راهکار مطمئن و کافی نیستند (گرچه از لوازم آن است). در اصل، حلقه مفقوده رفع این ناهنجاری‌ها، معمولاً عدم وجود فرهنگ ضروری در ذهن جمعی افراد برای ریشه کن کردن چنین عوارضی است. به عبارت برخی از محققان، فرهنگ عمدتاً همان بستری است که دربرگیرنده مجموعه معنایی و عملی تمامی کلید واژه‌ها و مفاهیم قابل طرح در یک نظام مشخص است. این چنین مجموعه معنی‌سازی اغلب نه از طریق آموزش مستقیم بلکه توسط ساز و کارهای تولید شده در داخل همان نظام به افراد منتقل شده و یا به عبارت بهتر، در ساختار ذهنی آنها جای گرفته و نصب می‌گردد. به همین دلیل نیز ایجاد بستر مورد بحث عموماً کاری دشوار و زمان‌گیر بوده و نیازمند به کارگیری فراگیر منابع قابل دسترسی و جلب مشارکت عمومی می‌باشد. به این ترتیب، فرهنگ‌سازی که کاری به مراتب اصولی‌تر از هرگونه آموزشی است، قابل دست‌یابی می‌گردد. فرهنگ‌سازی یکی از زیربنایی‌ترین و اساسی‌ترین راه‌های رسیدن به آموزش پایدار و مؤثر در سطح جامعه است. منظور از فرهنگ‌سازی، نهادینه کردن به جا و پسندید مجموعه‌ای از منش‌ها در متن جامعه و همچنین فراهم آوردن ملزومات سخت افزاری و نرم افزاری آنها به صورتی است که بتواند منش‌های مورد بحث را در دراز مدت، در وجه قراردادهایی نانوشته و لازم‌الاجرا برای تمامی سطوح جامعه تبدیل کند. قراردادهای مزبور نهایتاً به همان مجموعه معنایی و عملی در سطح جامعه بدل خواهد شد. اهمیت سازمان‌های غیر دولتی در کشورهای عقب مانده و یا کشور رو به توسعه‌ای مانند ایران، بیش از هر چیز شاید به توانایی سازمان‌هایی از این دست برای فرهنگ‌سازی در بنیادین‌ترین بخش‌های جامعه مربوط باشد. این فرهنگ‌سازی می‌تواند به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم در جامعه صورت بگیرد. وجه مستقیم آن در اصل، مربوط به آن دسته از سازمان‌های غیر دولتی است که توجه خود را مستقیماً به آموزش مفاهیم اجتماعی و فردی در سطوح مختلف جامعه متمرکز

نموده‌اند. بی‌شک در ادامه شکل‌گیری یا توانمندسازی سازمان‌های غیر دولتی در هر کشوری از جمله در ایران، بسیاری از چنین نهادهایی برای آموزش منش‌های شهرنشینی و یا مبانی زندگی روستایی، اصول مدیریت فردی برای احراز توانمندی افراد در جامعه یا مدیریت سازمانی برای افزایش بهره‌وری در سطح غیر فردی، روابط میان مردان و زنان از حیث رفتار شناسی جنسی، رفتار با کودکان، نحوه برخورد با کسانی که از نارسایی‌های شخصی و انواع بیماری‌ها رنج می‌برند، رفتار با حیوانات، مبانی حفاظت از محیط زیست و بسیاری موارد از این قبیل ایجاد خواهند شد. اما وجه غیر مستقیم آن، بنا به دلایلی (خصوصاً برای ایران)، شاید از اهمیت بیشتری نیز برخوردار باشد که همانا در برگزیده مزایای وابسته به تولید پیش‌زمینه‌های فرهنگی است که کشور را برای تأسیس، راه

اندازی و کارآمدسازی سازمان‌های غیر دولتی آماده می‌سازد. در واقع، یادگیری و آموزش درباره نهادهای غیر دولتی خود منجر به پیدایش و توسعه فرهنگی در سطح جامعه می‌شود که زمینه ساز پیشرفت‌های اجتماعی آینده خواهد بود. مشارکت افراد در این سازمان‌ها که همانا مشارکت در یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه مدنی است می‌تواند روحیه مشارکت جمعی و یادگیری مشارکت اجتماعی را افزایش دهد. از سوی دیگر، نقش دولت در این میان بسیار مهم است. توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی،

بازگذاشتن دست آنها در اجرای برنامه‌هایشان و نگاه مثبت به نقش این نهادها می‌تواند کمک بزرگی در این مورد باشد. علاوه بر این، ورود به عرصه کارآمدسازی سازمان‌های غیر دولتی در هر کشوری، می‌تواند راه گشای توسعه مدنی از طریق دسترسی به لایه‌های زیرین اجتماع باشد. این امر برای حیات چنین نهادهایی از اهمیت خاص برخوردار است، چراکه تنها وجه ممیز و قابل اطمینان سازمان‌های غیردولتی در مقابل هم‌تایان دولتی خود، همان دسترسی بی‌واسطه و واقعی این نهادها با افراد جامعه است. از آنجایی که افراد یک جامعه به گونه‌ای شرکای اصلی چنین نهادهایی می‌باشند و لازم است در سرنوشت آنها منشاء تأثیر واقع شوند، ایجاد، راه‌اندازی و به کارگیری روش‌های مشارکتی در سطح جامعه برای بقای این سازمان‌ها ضروری خواهد بود.

- مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در ایران (از موضوعات مهم این کنفرانس) که از الگوهای بسیار موفق در توسعه پایدار و همچنین توسعه اجتماعی و فرهنگی نیز محسوب می‌گردد، در کشور ما به ویژه از دید حاکمیت به شدت مغفول مانده است. مجمع تشخیص مصلحت نظام در این رابطه می‌تواند با سیاستگذاری کلان، دولت و شرکت‌ها را به کار در این حوزه وادار نماید و در عین حال، نهادهای مدنی را در کنار بخش خصوصی فعال‌تر نماید تا از ترکیب این دو حوزه بتوان سیاست‌های توسعه پایدار را پیش

برد. سیاست گذاری در مسئولیت اجتماعی شرکت ها که طیف وسیعی از مسائل حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در بر می گیرد، جدای از تأثیرات اجتماعی و اقتصادی فراوان، باعث شکل دادن به بسیاری از سیاست گذاری های دیگر در حوزه های مختلف خواهد شد. به عبارت بهتر، سامان یافتن قوانین مختلف که در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت ها قرار می گیرد، مانند قوانین حمایت از مصرف کننده و یا حقوق کارگر و کارفرما و نظایر آن در چارچوب مشخص تر و با هدفمندی و در نتیجه ایجاد راهکارهای ضمانتی اجرایی بهتر، از مهم ترین دستاوردهای آن خواهد بود.

جامعه مدنی قادر خواهند بود چرخه پایدار توسعه را به حرکت در آورند.

گالبرایت در سال ۱۹۷۳ در کتاب خود با عنوان "تصویری اقتصادی از شرکت ها" توجهات را به سمت رشد فزاینده اندازه و قدرت برخی شرکت ها معطوف کرد و نوشت شرکت های بزرگ دارای قدرتی عمومی و همگانی شده اند که این قدرت می تواند روی سلامت و رفاه عمومی جامعه و افراد تأثیر بگذارد. دونالدسون نیز در تایید ادعای گالبرایت خاطر نشان ساخت که شرکت های بزرگ قابلیت تأثیرگذاری بر روی جریان های بزرگ اجتماعی را دارند و قدرت آنها صرفاً اقتصادی نیست، بلکه سیاسی و اجتماعی نیز هست.

مقدمه ای بر مسئولیت اجتماعی شرکت ها

در نظام جهانی امروزه به دولت و بازار به عنوان نهادهای اجتماعی نگریده می شود که هر دو از نقایص و کمبودهایی رنج می برند. توسعه در گرو رفع نقایص و عیوب نهاد بازار و نهاد دولت است که بانک جهانی و مباحث توسعه امروزه بر این دیدگاه تأکید دارند. بدین ترتیب، بر لزوم هماهنگی دولت و بازار تکیه می شود. دولت به عنوان سکandar کشتی توسعه تصور شده و می باید کوتاه ترین و سریع ترین مسیر را با مجموعه اطلاعاتی که به دست می آورد، تعیین کند. موتور محرکه ای که کشتی را در مسیر فوق به راه می اندازد کار آفرینان بخش خصوصی هستند و این دودر صورت مشارکت ساختارهای

این توانایی شرکت های بزرگ برای اعمال آنچه که پارکینسون به آن "قدرت تصمیم گیری اجتماعی" می گوید، باعث شد که شرکت ها در اتخاذ تصمیم های کلان به عواقب اجتماعی آن توجه نشان دهند. به قول پارکینسون "شرکت ها تصمیم هایی خصوصی می گیرند که دارای نتایج همگانی است". مسئولیت اجتماعی شرکت ها در چنین شرایطی به عنوان پارادایم غالب اداره شرکت ها مطرح گردید.

مسئولیت تجارت یعنی مسئولیت شرکت در پاسخگویی به پیامدهای فعالیت هایی که جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد. شرکت باید در اتخاذ تصمیمات و انجام فعالیت ها و اجرای عملیات خود، منافع همه ذی نفعان را در نظر بگیرد.

ذینفعان شرکت همه کسانی هستند که نتایج و پیامدهای تصمیمات و اعمال شرکت‌ها بر آنها اثر می‌گذارد. ذی‌نفعان داخلی، کارکنان هستند که به طور مستقیم تحت تأثیر تصمیمات و عملیات سازمان قرار دارند و ذی‌نفعان خارجی شامل شهروندان، مشتریان، عرضه‌کنندگان، رقبا، سهام‌داران دولت و نهادهای اجتماعی اند. توجه به منافع ذی‌نفعان و به طور کلی جامعه، برای شرکت ضروری است.

در ایران نیز هر چند مفهوم امروزی و نوین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به صورت جدی و سیستماتیک برای هیچ یک از بازیگران ذکر شده، چون شرکتها، حکومت و حتی جامعه مدنی مطرح نگردیده، ولی این مفهوم، برای شرکت‌های ایرانی در قالب مفاهیمی چون وقف و وام‌های قرض الحسنه، نقش پدرسالاری صاحبان سرمایه و کمک‌های خیریه و ... به صورت فردی و شخصی و بر پایه ارزش‌های اخلاقی و عرفی وجود دارد. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها برای حکومت در مفهوم توسعه پایدار

ظهور کرده و سازمان‌های بین‌المللی در ایران چون برنامه توسعه سازمان ملل به دلیل تسلط این مفهوم در جهان رقابتی سعی کرده‌اند در چند سال اخیر این مفهوم را در بین مدیران شرکت‌های ایرانی، در قالب اهداف توسعه هزاره، مطرح کنند. در ایران نیز در چند سال اخیر عواملی چون آزادی فضای اقتصادی و رقابتی‌تر شدن برخی صنایع موجب شده است تا شرکت‌ها به

مقولاتی چون مسئولیت در قبال کارکنان، مصرف‌کنندگان و جامعه توجه کنند و در برنامه‌ها و فعالیت‌های خود منافع این ذی‌نفعان را در نظر بگیرند. در ایران این مفهوم در شکل امروزی خود به عنوان یک مفهوم و فرایند مدیریتی بسیار تازه و جدید می‌باشد. شرکت‌ها اغلب در ابتدای راه هستند. از یک سو ساختار اقتصادی صنعتی حاکم بر فضای اقتصادی-سیاسی ایران به گونه‌ای است که شرکت‌ها، انجام فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی را علاوه بر این که هزینه به حساب می‌آورند، آن را باعث جا ماندن از فضای رقابتی می‌دانند. از سوی دیگر، به دلایل گفته شده بسیاری از شرکت‌ها حداقل‌های حقوق کارکنان و مصرف‌کنندگان و در شرکت‌های دولتی حقوق سهامداران و مالکان را نیز رعایت نمی‌کنند. در اینجاست که نقش حکومت با توجه به اینکه از ابزارهای بسیار گسترده و متنوعی برخوردار است، اهمیت پیدا می‌کند و می‌تواند شرکت‌ها را به رعایت این حداقل‌ها ترغیب کند.

از مهم‌ترین مشکلات در راه گسترش بحث مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، بحث فرهنگ‌سازی آن است. علی‌رغم پیشینه اجتماعی و فرهنگی آن در ایران، باید پذیرفت که این بحث حداقل یک رویکرد مدرن به موضوع است که باید در جهت هدایت شرکت‌ها و صاحبان سرمایه به در نظر گرفتن نیازهای انسان امروز و نگاه به موضوع در حد توانمندسازی و

در جهت توسعه و نه تنها کمک‌های صرف شخصی و یا گروهی تلاش کرد. همچنین باید تلاش کرد سنت حسنه رایج در سلوک بازار سنتی کشور که همانا پذیرش مسئولیت اجتماعی بود را تا حدی در بازار مدرنی که به سنت‌های حسنه تا حدی پشت پا زده احیا نمود. در جهت انجام چنین کاری بهترین روش کمک به سازمان‌های غیردولتی و اعتماد به آنها برای فشار بر مراکز اقتصادی در جهت پذیرش مسئولیت در نتایج و پیامدهای فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است. این تجربه در غرب نتایج خوبی به بار آورده است. از جمله:

۱. ایجاد مراکز تجاری و تولیدی وابسته به مراکز خیریه تاسیس شده از سوی بنگاه‌های اقتصادی
۲. توانبخشی افراد معلول
۳. ایجاد مراکز آموزشی رایگان
۴. اعطای بورس‌های تحصیلی هدفمند به افراد کم درآمد و مستعد جامعه
۵. توانمندسازی افراد بدون تخصص
۶. ایجاد مراکز درمانی و بهداشتی، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های فرهنگی نظیر ایجاد مراکز فرهنگی، ایجاد ارتباطات فرهنگی بین ملل
۷. حمایت از پروژه‌های فرهنگی و در واقع آنچه نیاز انسان امروزی در این جامعه پیچیده است، از کارهای ساده‌ای است که با گسترش موضوع مسئولیت اجتماعی

شرکت‌ها می‌توان به توسعه آنها امیدوار بود. در پشت بسیاری از حوزه‌های کلیدی مسئولیت اجتماعی، قوانین مهمی وجود دارند. مدیران باید همواره از قوانین جدید، قوانین در حال تصویب و قوانین موجود مطلع باشند. با این حال، گاهی شاهد برخوردهای منفی با قوانینی هستیم که در جهت ایجاد مسئولیت اجتماعی برای بنگاه‌های تجاری است. به عنوان مثال، از سوی نهاد قانونگذار قوانینی چون قانون بهداشت و ایمنی محیط کار، قانون کار و تأمین اجتماعی و قانون حفاظت محیط زیست به تصویب رسیده است که شرکت‌ها از سختگیری بیش از حد این قوانین گله می‌کنند و طرف‌های ذی‌نفع دیگر نیز از اینکه این قوانین کارآمد نیستند و نتوانسته جلوی برخی تخلفات را بگیرند، شکوه دارند.

در حالی که به طور سنتی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، به عنوان فعالیتی به شمار می‌رود که شرکت‌ها به صورت داوطلبانه درگیر آن هستند، رشد و تأثیر گسترش مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها منجر به افزایش درخواست از دولت‌ها برای منظم کردن رفتار اجتماعی شرکت‌ها در کشورهای متعددی شده است. همان‌طور که شرکت‌ها قبل از رجوع به فعالیت خود باید موضوع کسب و کار را درک کنند، حکومت‌ها نیز باید موضوع سیاست‌گذاری عمومی برای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را درک کنند. به طور

خلاصه، باید گفت که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها برای حکومت‌ها جذاب است؛ زیرا قادر است تلاش‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌ها را جایگزین، تکمیل و یا قانونی کند.

حکومت‌ها در قالب سیاست‌گذاری‌های عمومی مصوب، آمال و آرزوهای آحاد مردم را

تجلی می‌بخشند. امروزه، انتظارات و توقعات

اکثریت مردم از شرکت‌ها، فراتر از چارچوب‌های

اقتصادی بوده و قدم به خواست‌های اجتماعی

گذارده است. همین امر (طلب کردن انتظارات

اجتماعی از سازمان‌ها) نقش حکومت‌ها را در

سیاست‌گذاری بیش از پیش مهم ساخته است.

حکومت‌ها باید با سیاست‌گذاری‌های مناسب

و مقتضی، سازمان‌ها را در راستای پاسخگویی به

انتظارات اجتماعی حرکت دهند. حکومت‌ها

همیشه مسئولیت نخستین را در تدوین

سیاست‌گذاری‌ها دارند، اما کسب و کارها

اغلب قادرند دیدگاه‌های جدیدی را برای حل

مشکلات اجتماعی و متقابل به وجود بیاورند.

در کشورهای در حال توسعه و کشورهایی

که هنوز زیر ساخت‌های لازم برای فعالیت

شرکت‌ها، آن گونه که مستقل و در سطح کلان

بتوانند تجارت مورد نظر را انجام دهند، آماده

نشده است و بازارها از کارکرد درستی برخوردار

نیستند، شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری بیش از آن

که به مسئولیت‌های رقابتی خود بیندیشید، در

حال بر طرف کردن موانع پیش روی خود چه از

جانب دولت و چه از جانب سایر بخش‌های یک

جامعه هستند. در این کشورها به سختی می‌توان از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها سخن گفت و یا این گونه مسئولیت را از بنگاه‌های اقتصادی انتظار داشت. در این جوامع مسئولیت جامعه در قبال شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی بسیار بیشتر از مسئولیت شرکتی است.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه

حکومت هنوز به تأمین و ایجاد اصول اجتماعی

اقتصادی اعم از پایه قانونی، ایجاد محیطی

سیاسی آرام و پایدار، ارائه خدمات اجتماعی

اصلی و تأمین و حمایت از اقشار آسیب پذیر

نپرداخته است. در عین حال، به عرضه بیش از

حد کالاها و خدماتی می‌پردازد که بازارهای

خصوصی توانایی عرضه آنها را دارند. از سوی

دیگر، حکومت برای انجام وظایف نظارتی خود

در بسیاری از فعالیت‌هایی چون حفظ محیط

زیست، ترویج مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها و

دفاع از حقوق مصرف‌کننده در مقابل مسئولیت

ناپذیری تولیدکنندگان، با موانع بسیاری

روبه‌روست که این خود می‌تواند بوروکراسی

حکومت را گسترش داده و راه را برای اعمال

سلیقه توسط مجریان حکومتی باز گذارد و در

چنین اوضاع و احوالی مقامات حکومتی در همه

سطوح به تعقیب آنچه خود می‌خواهند و نه

آنچه جامعه از آنان انتظار دارد خواهند پرداخت

و منافع شخصی به جای منافع اجتماع توسط

قدرت مطلقه دولت تأمین می‌شود.